

از شکر و وقت یک نماند شود از پیشین در خلعت قائم  
 شود که شکر بر آید خود در علم با الله تا بر آید عمل بر عمل مخصوص  
 بنوعشان نباشند هر چه پس یکجا یک نور است که روشن کرد  
 ایشان را بدین امانت را خدا در سجده و این نور سرایت خواهد کرد  
 در اوصاف ایشان در ظاهر و در بصیرت ایشان در باطن  
 جمیع اجزاء ایشان و در نفوس ایشان پس خواهد شد شخص  
 بصیر تمام آن شخص پس خواهد بود بصیرت تمام ذات خود تمام ذات  
 موقیقا خواهد شد بصیرت خواهد شد تمام ذات خود یعنی  
 هر عضوی خاصه بصیر خواهد بود هر چه که در رویت حاصل  
 بود عضو و هر عضو خاصه که شکر پیدا خواهد کرد و هر عضو شکر  
 خواهد شد پس سبب این نور طاق خواهد داشت منشا هر  
 در رویت را بدین عمل است رسول الله و خواهد گفت آنست  
 برای رویت رب خود در بختی میشود پس آید استخوان

پس تجلی

پس تجلی شود حق سبحانه تعالی در حالیکه در میان حق و در میان  
 خلق است تجلی است تجلی است تجلی است تجلی است تجلی است  
 پس استطاعت نخواهند داشت نظر کردن بجای دیگر گفت  
 استعنا اعظم حاجت بود در در آید بجای در میان برود  
 بنوعی تا آنکه بر سینه بدین در کرده شوند بجای هم آید  
 تجلی شود مرایشان را الله تعالی بر حجاب واحد با لطیف  
 و جمیل بسوا اوصاف ایشان و همه کس بصیر واحد بصیرت بود  
 سرایت کرده است در ذوات ایشان پس نگاه خواهند کرد  
 با آن بصیر و همه شکرند و بهایشان را ایشان را اجازت  
 روشن شود ذوات ایشان از نور جمال اقدس چون نور  
 اهل جنت در کثرت سبک رویت و تجلی کند حق سبحانه تعالی  
 تجلی تمام تجلی خواهد کرد بصورت اعتقادات درین تجلی  
 پس این تجلی واحد است بجهت آنکه تجلی است و کثرت است بجهت

Copyright © King Saud University